

از «رقیه چهره آزاد» تا «مریلا زارعی»

مادرانه های ماندگار سینما و تلویزیون

گروه سینما و تلویزیون

سینما و تلویزیون ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاهی ستایش آمیز به جایگاه رفیع مادران داشته و محور تعداد بی شماری از فیلم ها و سریال ها، نقش آفرینی ها درباره جانفشانی ها و از



زنه یاد «رقیه چهره آزاد» در فیلم سینمایی «مادر» به کارگردانی زنده یاد «علی حاتمی»، در سینمای ایران نمونه فوق العاده ماندگاری از شخصیت یک مادر ایرانی را به تصویر کشید، مادری که در واپسین روزهای عمرش تمامی فرزندان‌ش را که مدتی است از یکدیگر دور افتاده اند در حریم امن خانه و خانواده دور یکدیگر جمع می کند و به آن ها خصلت های نیک زندگی را می آموزد. نگاه نوستالژیک «علی حاتمی» در این فیلم باشکوه، شاید یکی از دلایل عمده ای باشد که هر مخاطبی را با این اثر شگفتی ساز همراه می کند. «رقیه چهره آزاد» در این فیلم، نقشی را بازی کرد که هرگز از خاطرها پاک نخواهد شد. نقش مادر در فیلم «مادر» «علی حاتمی» از آن قبیل نقش ها بود که به هیچ وجه از خاطره ها محو نخواهد



پروین دخت یزدانیان

زنده یاد «پروین دخت یزدانیان» یکی دیگر از مادران آشنای سینمای ایران است. نقشی که «پروین دخت یزدانیان» به عنوان «بی بی» در سریال «قصه های مجید» به کارگردانی «کیومرث پوراحمد» ایفا کرد از خاطر بچه هایی که در دهه ۶۰ خورشیدی به دنیا آمدند و در دهه ۷۰ خورشیدی کودکی شان را سپری کردند، پاک نشده است و هنوز این نقش در ذهن دهه شصتی ها جاودانه است. این بازیگر توانا جدا از این اثر ماندگار تلویزیونی در برخی از فیلم های سینمایی از جمله «مهریه بی بی»، «خواهران غریب»، «شرم» و «صبح روز بعد» نیز در نقش مادر مهربان، اصیل و فداکار ایرانی ایفای نقش کرده است که هیچ یک از آن ها از آذهان مخاطبان جدی سینما پاک نخواهد شد. او برای بازی در فیلم «صبح روز بعد» برنده دیپلم بهترین بازیگر نقش دوم زن از یازدهمین جشنواره بین المللی فیلم فجر نیز شد.



بیتا فرهی

زنده یاد «بیتا فرهی» این فرصت را داشت که نقش مهم ۲ مادر را بازی کند. او در فیلم «کیمیا»، در بحبوحه جنگ، نوزادی را نجات می دهد و در پناه حس مادرانه نسبت به او آرامش پیدا می کند. اما بازی «فرهی» در «خون بازی» یکی از بهترین بازی های کارنامه او به شمار می رود. در این فیلم، «اسمیا» زنی تحصیلکرده و مرفه است که بحران اعتیاد دخترش او را در موقعیت روحی شکننده ای قرار می دهد. او ضمن آن که تلاش می کند تا دخترش را به زندگی پیوند بزند از طرفی مقابل سماجت و رفتارهای عصبی و پرخاشگرانه اش مستأصل می شود. این استیصال و رنج مادرانه را به خوبی در بازی بیتا فرهی می توان دید. «بیتا فرهی» در سال ۱۳۳۷ به دنیا آمد و در آذر ۱۴۰۲ چشم از جهان فرو بست.



شیرین یزدان بخش

«شیرین یزدان بخش» به‌طور اتفاقی و بنابر درخواست «افشین هاشمی» با ایفای نقش در فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» وارد عرصه بازیگری سینما شد. قبل از حرفه بازیگری وی به مدت ۳۲ سال کارمند اداره دخانیات بوده و بازی‌نشسته شده است. وی به خاطر ایفای نقش در فیلم «ابد و یک روز»، نامزد دریافت جایزه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن از سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر شده است. او با بازی دلنشین اش در فیلم «بوسیدن روی ماه» به کارگردانی «همایون اسعدیان» چهره‌ای آشنا از یک مادر ایرانی را به مردم ارائه داد، مادری که سال‌ها پس از جنگ تحمیلی همچنان چشم انتظار بازگشت پسر رزمنده اش است، اما در نهایت پیکر پاک فرزند شهیدش به وطن باز می‌گردد. «شیرین یزدان بخش» در سال ۱۳۲۷ در اصفهان به دنیا آمد.

خودگذشتگی های مادران بوده است.
همزمان با سالروز میلاد فرخنده حضرت فاطمه زهرا(س) وروز زن وروز مادر، نگاهی به بازی های یادماندنی در نقش مادر و مادرانه های ماندگار ۱۰ بازیگر در سینما و تلویزیون انداختیم که همچنان هنر نمایی آن ها در ذهن مخاطبان سینما و تریکس آبیار «مطلب را به پایان رساندیم.

رقیه چهره آزاد

زنه یاد «رقیه چهره آزاد» در فیلم سینمایی «مادر» به کارگردانی زنده یاد «علی حاتمی»، در سینمای ایران نمونه فوق العاده ماندگاری از شخصیت یک مادر ایرانی را به تصویر کشید، مادری که در واپسین روزهای عمرش تمامی فرزندان‌ش را که مدتی است از یکدیگر دور افتاده اند در حریم امن خانه و خانواده دور یکدیگر جمع می کند و به آن ها خصلت های نیک زندگی را می آموزد. نگاه نوستالژیک «علی حاتمی» در این فیلم باشکوه، شاید یکی از دلایل عمده ای باشد که هر مخاطبی را با این اثر شگفتی ساز همراه می کند. «رقیه چهره آزاد» در این فیلم، نقشی را بازی کرد که هرگز از خاطرها پاک نخواهد شد. نقش مادر در فیلم «مادر» «علی حاتمی» از آن قبیل نقش ها بود که به هیچ وجه از خاطره ها محو نخواهد



جمیله شیخی

زنده یاد «جمیله شیخی» یکی دیگر از مادران ماندگار سینما و تلویزیون ایران است که توانست شمایل مادری با شخصیت متفاوت را برای مخاطبان ایرانی به یادگار بگذارد. بازی بی نظیر و دلنشین «جمیله شیخی» در نقش مادر فیلم «مسافران» در یاد عاشقان سینمای ایران باقی خواهد ماند. «رقیه چهره آزاد» در سال ۱۳۰۹ در زنجان به دنیا آمد و در سال ۱۳۸۰ از دنیا رفت. او مادر زنده یاد «آتیلا پسیانی» بازیگر معروف تئاتر سینما و تلویزیون است. «جمیله شیخی» برای بازی در فیلم «مسافران»، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره فجر را گرفت. او برای بازی در فیلم «لیلا» به کارگردانی زنده یاد «داریوش مهرجویی» هم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن را به دست آورد.



ثریا قاسمی

«ثریا قاسمی» سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شد. «محمدم محمدم» گفتن هایش در سریال «در پناه تو» که در آن نقش مادری مهربان و نگران را برعهده داشت از یادعلاقه مندان به سریال های تلویزیونی نخواهد رفت. او اوایل دهه ۱۳۴۰ با گویندگی رادیو کار حرفه ای خود را شروع کرد و سپس به تئاتر روی آورد و پس از یک عمر فعالیت هنری در سال ۹۵ برای بازی در فیلم «ویلایی‌ها» به کارگردانی «متیبه قیدی» توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر از آن خود کند. «قاسمی» در این فیلم در نقش مادری ظاهر شد که پسرش در جنگ است و وظیفه دارد تا از عروس و نوه‌هایش مراقبت کند.



حمیده خیرآبادی

انتخاب یک اثر سینمایی از میان ده ها فیلمی که زنده یاد «حمیده خیرآبادی» در آن ها ایفای نقش کرده است به هیچ عنوان کار آسانی نیست، اما در این میان «آجاره نشین ها» به کارگردانی زنده یاد «داریوش مهرجویی» یکی از فیلم های این بانوی هنرمند است که در آن به خوبی هرچه تمام تر در نقش یک مادر مهربان، فداکار و اصیل ایرانی به ایفای نقش پرداخت، مادری که در پی آن است که همه را با یکدیگر آشتی دهد و با کدبانوگری اش تمامی همسایگان اش را مانند یک فرزند حمایت کند. زنده یاد «حمیده خیرآبادی» متولد سال ۱۳۰۳ بود که در سال ۱۳۸۹ درگذشت. او مادر «ثریا قاسمی» دیگر بازیگر سینمای ایران است. «خیرآبادی» در سال ۱۳۲۲ وارد سینما شد و از مهم ترین فیلم های دیگرش می توان به «روز واقعه»، «بانو» و «شیرین» اشاره کرد.



گلاب آدینه

«گلاب آدینه» دیگر بازیگر توانمند سینمای ایران است که در فیلم های بسیاری در نقش مادر حضور داشته است اما بازی او در ۲ فیلم سینمایی «مهمان مامان» به کارگردانی زنده یاد «داریوش مهرجویی» و «زیر پوست شهر» به کارگردانی «رخشان بنی اعتماد» از تأثیرگذارترین و به یادماندنی ترین نقش هایی است که او در نقش مادر در سینمای ایران به یادگار مانده است. «گلاب آدینه» در «زیر پوست شهر» به خوبی توانست از عهده ایفای نقش یک مادر زحمتکش برآید و یکی از ماندگارترین نقش های تاریخ سینمای ایران را خلق کند. «مهمان مامان» او رقی دیگر از بازی ای هنرمند در نقش یک مادر است، مادری که مانند تمامی مادران ایرانی، برای خانواده اش حرمت، احترام و شخصیت قائل است و می خواهد بهترین مهمان نوازی را از مهمانان خود داشته باشد. «گلاب آدینه» در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد.



پروانه معصومی

آن چه بیش از همه زنده یاد «پروانه معصومی» را در نقش «عصمت» فیلم «گل های داوودی» به یادماندنی کرده، وقار و پایداری این زن است، زنی که نمادی از خود زندگی با تمام فراز و فرودهایش است. او «جواد» با بازی «بیژن امکانیان» را در پناه خود می گیرد و سعی دارد جای خالی پدرش را پر کند. بازی خاطره انگیز «پروانه معصومی» در این نقش به یادماندنی است. او حس یک مادر تنها را به درستی منعکس می کند. «گل های داودی» اگرچه درباره ملودرامی عاشقانه از زندگی یک جوان نابیناست، اما ستایشی است از مادر ایرانی و جایگاه او در فرهنگ و تاریخ کشورمان. مرور کارنامه «پروانه معصومی» گویای این است که او در به تصویر کشیدن چهره نجیب زن ایرانی تبحر فراوانی دارد. «پروانه معصومی» در سال ۱۳۳۲ به دنیا آمد و آذر ۱۴۰۲ چشم از جهان فرو بست.

مریلا زارعی

«مریلا زارعی» در فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» به کارگردانی «ترکس آبیار» یکی از تأثیرگذارترین بازیگرانی است که در نقش یک مادر شهید ایفای نقش می کند. بازی روان، یکدست و درخشان این بازیگر توانمند در ذهن مخاطبان این اثر سینمایی باقی مانده است. «زارعی» در این فیلم نقش مادری را ایفا می کند که تنها فرزندش را به جبهه می فرستد و بیش از ۳ دهه انتظار می کشد تا فرزندش بازگردد اما در نهایت با پیکر پاک فرزندش مواجه می شود و با صبر و بردباری مثال زدنی با این مصیبت کنار می آید. «زارعی» برای بازی زیبایش در این فیلم، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن را در سال۱۳۹۲ از جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. «مریلا زارعی» در سال۱۳۵۲ به دنیا آمد.

نمای نزدیک

نگاهی به ۶ شخصیت مهم

«مگه تموم عمر چند تا بهار؟»

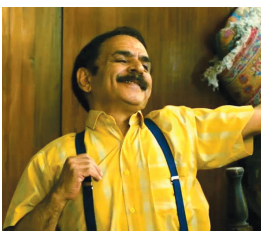
سریال «مگه تموم عمر چند تا بهار؟» یکی از مهم ترین سریال های «سروش صحت» به لحاظ شخصیت پردازی است و می توان درباره تک تک کاراکترهای آن حرف زد. حالا که بخش این سریال به پایان رسیده و کاراکترها برایمان شناخته شده‌اند، ویژگی های مختلف ۶ شخصیت مهم و جذاب آن را بررسی کردیم..



شاهین ربانی

باز یگر: علی مصفا

شخصیت اصلی سریال «مگه تموم عمر چند تا بهار؟» «شاهین ربانی» بود؛ شخصیتی پر از حفره های ذهنی، پر از ترس و عذاب وجدان که نه خودش را می شناخت و نه توانایی داشت آن طور که باید با دیگران ارتباط بگیرد. او به خاطر تصادفی که کرده و باعث مرگ عموش شده نمی تواند خودش را ببخشد و ترس هایش به دیگر احساساتش اجازه رشد نمی دهند. «شاهین» مدام دنبال جلب توجه بود اما شیوه ابراز علاقه و بروز احساسات را بلد نبود؛ به خودش هم دروغ می گفت و واقعیات را آن گونه که تمایل داشت به یاد می سپارد. «شاهین» مثل «حبیب» سریال «لیسانسه ها» به هر دختری می رسید علاقه مند می شد اما طوری وانمود می کرد که همه عاشقش می شوند و او علاقه ای به آن ها ندارد. بخش مهمی از ماجراهای داستان «مگه تموم عمر چند تا بهار؟» در ماتریکس ذهن او پیش می رفت. «شاهین» مدام به حفره های ذهنی اش کشیده و آن جا با مسائلی مواجه می شد.



جلال ربانی

باز یگر: قدرت... ایزدی

بخش مهمی از بار جذابیت سریال روی دوش شخصیت «جلال» بود؛ پدری با لهجه شیرین اصفهانی که رفتار مهرآمیزی با پدر و دوست پدرش داشت و سر همه چیز با بچه هایش کنار می آمد. او به لحاظ روحی و روانی در مقایسه با جوان ترها بسیار سالم تر و باانگیزه تر بود و سعی می کرد با تعریف فیلم ها و داستان های مختلف، راه زندگی را به فرزندانش یادآوری کند. انگار می دانست از زندگی چه می خواهد و مدت زمان مایوس شدنش از یک مسئله، بیشتر از چند ساعت نبود. با کوچک ترین اتفاقی خوشحال می شد و کم پیش می آمد عصبانیتش را بروز دهد. از میان شخصیت های سریال، بیشتر از همه با خاطرات نوزادی و کودکی تا بزرگسالی او مواجه بودیم.



نیمای ربانی

باز یگر: مجید یوسفی

«نیمای» در سریال «مگه تموم عمر چند تا بهار؟» مجموعه ای از ویژگی های مختلف شخصیت های جذاب سریال های «سروش صحت» را در خودش جمع کرده بود. یکی از مهم ترین ویژگی های «نیمای» این بود که مدام از سوی نامزدش تحقیر می شد و پشت سر هم بدبیباری می آورد، با این حال اعتماد به نفس زیادی داشت و با این که مدام همه نادیده اش می گرفتند و مدام خرابکاری می کرد اما سرخورده نمی شد و کماکان این اعتماد به نفس را حفظ می کرد. او به عنوان فردی معرفی می شد که تعهدی به کارش ندارد، مدام رئیسش را قال می گذاشت و از دفتر بیرون می رفت و مدام اخراج می شد.

شهرام ربانی

باز یگر: کاظم سیاحی

«شهرام ربانی» خواننده جمع بود و گمان می کرد همه او را با آهنگ «کلپونه نعنابونه» می شناسند. او «سیروان خسروی» را رقیب اصلی خودش می دانست و به نظرش بیشتر از آن چه باید تحویلش گرفته اند. «شهرام» از موسیقی درآمدی نداشت، مسافر کشی می کرد و آه در بساط نداشت و همین که «رضا یزدانی» از او خواست که کنارش آهنگ بخواند چنان از خود بی خود شد که گذشته اش را فراموش کرد. در بخش مهمی از سریال دیدیم که او عاشق «مرجان» است و تمام تلاشش را می کرد تا «مرجان» به او روی خوش نشان دهد اما همین که در نفر تحویل گرفتند و کنار «رضا یزدانی» خواند، خلق وخویش عوض شد و پیشنهاد از دواجش به «مرجان» را فراموش کرد و دیگر حاضر نبود جواب سوال هایش را بدهد. «شهرام» نمونه بارز یک فرد خودشیفته بود که احساسات هیچ کسی جز خودش برایش مهم نبود.



گلی

باز یگر: آناهیتا افشار

«گلی» حرص در بسیارترین شخصیت سریال بود! «گلی» یک نمونه از افرادی است که تلاشی برای بهبود احوالشان نمی کنند اما گویا فقط همین که از دیگران ایراد بگیرند و سنگ جلوی پای آن ها بیندازند احساس بهتری دارند! «گلی» دلش می خواست مدام در مرکز توجه باشد و همه چیز مو به مو مطابق انتظارش پیش رود و چون می دید چنین اتفاقی نمی افتد مدام در حال بحث و جدل و دعوا بود. یکی از نکات جالب این شخصیت، زوج بازیگری بودن با «نیمای» بود؛ کاراکتری بی خیال که به همه چیز بی اهمیت بود و اصلا نمی دانست باید چطور دل او را به دست بیاورد برای همین هم «گلی» یک روز خوش کنار او نداشت.



رسولی

باز یگر: محمد نادری

«رسولی» رئیس «نیمای» بود اما معمولاً همه جا حضور داشت و هر بار یکی از اعضای این خانواده از دستش شاکی بود. او شخصیتی غیرقابل پیش بینی داشت که همین موضوع عامل جذابیتش بود. معمولاً جدی و به اصطلاح عصا قورت داده بود و دلش می خواست ثروت و قدرتش را به رخ همه بکشد، اما به طور ناگهانی رفتارهای عجیبی از خودش نشان می داد. نکته جالب این جا بود که «رسولی» هم مثل «شاهین» در حفره های ذهنی اش حضور داشت و همیشه از دست «شاهین» فرار می کرد. این نشان می داد که او هم مشکلات ذهنی و روحی زیادی داشت.